

تاریخچه

# زبان و ادبیات فارسی

## در جنوب هند (دکن)



دکتر ابوالقاسم رادفر

عضو هیات علمی پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### الف - دوره بهمنیان

به شهادت اسناد و آثار بجا مانده تاریخی - از سنگ نبشته ها و کتیبه ها گرفته تا روایات

تاریخی فرهنگی مشترک ایران و هند - ارتباط کشور ایران با سرزمین دکن در جنوب هند به

پیش از اسلام - حداقل به زمان ساسانیان - می رسد. زیرا تأثیر نقاشی ایرانی در غارهای

«اجنتا» بوضوح دیده می شود. این غارها که تعداد آنها سی عدد می باشد در قریه «اجنتا»

(Ajanta) در ولایت حیدرآباد واقع شده اند که شاهکاری از صنعت بودائیان هندوستان به

حساب می آیند. در داخل این غارها چندین غار کوچک بوده که کشیشان بودایی آنجا

می خوابیده اند.

«قدیمترین غار متعلق به حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد و جدیدترین غار را در حدود



۴۰۰ سال بعد از میلاد تراشیده‌اند و سقف آنها را نقاشی روی گچ کرده‌اند. یکی از این نقاشیها شرح می‌دهد از سفارتی که به طور مبادله از [طرف] خسرو پرویز به دربار پولاکسین (Pulakesin) ثانی، پادشاه دکن رسیده، چه در نقاشی مزبور یک راجه زردرنگ روی تخت نشسته است و سه چهار نفر ریشدار بالباس ایرانی در بر و کلاه مخروطی بر سر با هدایا... به خدمت راجه می‌رسند - بیرون قصر راجه نیز چند نفر ایرانی با اسبهای پیشکشی دیده می‌شوند.<sup>(۱)</sup>

البته بحث ما در اینجا بیان روابط تاریخی ایران و دکن نیست که این خود می‌تواند عنوان مقالتهی دیگر باشد؛ بلکه فقط اجمال و نمونه‌ای از ذکر پیشینه ارتباط تاریخی دو منطقه ایران و جنوب هند است زیرا در این گفتار سخن ما گزارش وضعیت زبان فارسی و فراز و نشیب آن از آغاز نفوذ و گسترش آن تا امروز در سرزمین دکن است. محدوده زمانی بالغ بر ششصد و پنجاه سال یعنی از تشکیل حکومت مستقل بهمنیان توسط علاءالدین حسن بهمن‌شاه در سال ۷۴۸ هـ / ۱۳۴۷ م. در دکن تا اکنون.

### تأسیس حکومت

درباره بنیانگذار سلطنت بهمنیان بین مورخان و صاحب‌نظران بحثهای بسیار است. خورشاه بن قباد الحسینی در اثر خود به نام تاریخ ایلچی نظام شاه (سال تصنیف ۹۷۲ هـ) درباره اولین پادشاه سلسله بهمنی چنین می‌نویسد:

«اول ایشان علاءالدین حسن است. او ملازم سلطان تغلق شاه بود. بعد از فوت سلطان در ۷۴۸ داعیه سلطان نموده به بهمن شاه ملقب شده - در عیون التواریخ مسطور است که آن جناب از نسل بهمن بن اسفندیار و به این اعتبار آن طبقه را بهمنی می‌گویند». (نسخه خطی موجود در کتابخانه موزه سالار جنگ).

وجود تواریخ معتبر و سکه‌ها و کتیبه‌ها بیشتر دال بر این است که علاءالدین حسن از نژاد بهمن پسر اسفندیار است و داستان کانگو برهمنی درست نیست و برخی برهمن را تحریف شده همان بهمن در برخی نسخ می‌دانند. وقتی که سلطنت بهمنی در دکن پا گرفت و صاحب قدرت و اعتبار گردید نظر بر اینکه اکثر پادشاهان آن افرادی صاحب علم و علم‌دوست و اهل فضل و کمال



بودند دربار آنان مرکز مرجع اهل کمال شد. ازین رو افراد زیادی در زبانی شاعر، صوفی، عالم، تاجر، سپاهی، هنرمند و کارگر از سرزمین‌های دیگر چون ایران، عرب و ترک به طرق مختلف به دربار بهمنیان سرازیر شدند که برخی از آنان در دربار بهمنیان به شهرت و اعتبار والایی دست یافتند.

### رشد و شکوفایی زبان فارسی

آمدن ایرانیان به دکن و راه یافتن آنان به دربار از یک طرف و بذل و بخشش پادشاهان بهمنی از جانب دیگر سبب رشد و ترقی زبان و ادبیات فارسی شد و فارسی در دکن به جهت این عنایت و توجه، مقبولیت عام یافت. قدردانی از علما و شاعران ایرانی که بیشتر از شهرهای شیراز، استرآباد، گیلان، سمرقند، قزوین، هرات و اصفهان به دکن آمدند از سوی پادشاهان بهمنی موجب پدید آمدن تصانیف بسیاری به زبان فارسی شد. در حقیقت سرزمین دکن در عهد بهمنیان به سبب کارنامه درخشان علمی و ادبی و تمدنی آنان نقطه عطفی در تاریخ هندوستان و یک دوره مهم و جالب در «عهد میانه» محسوب می‌شود زیرا موزخان، دوره قبل از آنان را «عهد تاریک» می‌پنداشتند.

زبان فارسی در این دوره نه تنها زبان درباری و دولتی بوده بلکه زبان زندگی مردم و حیات اجتماعی هم بوده و در همه زمینه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است و رنگ تازه و صبغه خاصی به زندگی مردم دکن بخشیده است و آثار ایرانی و مظاهر آن حتی تا امروز در بناها و ساختمانهای گلبرگه و بیدر پایتخت بهمنیان بوضوح دیده می‌شود. تأثیر زبان فارسی بر ارزشهای فرهنگی، تمدنی، اجتماعی، معاشرتی دکن که موجب پیدایش آثار بسیاری شده مورد تحسین پرفسور دیوری (Devore) مؤلف تاریخ ادبیات مختصر فارسی در دوره‌های بهمنی، عادلشاهی، قطبشاهی در دکن (به زبان انگلیسی، چاپ بونه، ۱۹۶۱) نیز واقع شده است. گرچه برخی معتقدند که عهد بهمنی فاقد تاریخ جامع تمدنی - فرهنگی و ادبی است. در حالی که اینطور نیست و با کمک همین اسناد و مدارک موجود می‌توان اثبات کرد که عهد بهمنی در دوره میانه از نظر علمی، ادبی و تمدنی دارای کارنامه درخشانی است گرچه از بدی حوادث زمانه و قدرناشناسی برخی بخش عمده‌ای از این اسناد نابود شده است و بعضی از این سرمایه‌های ادبی هم در طاق نسیان و فراموشی افتاده است و لیکن با این حال با جستجو در مراکز دولتی، کتابخانه‌های شخصی و کتابخانه‌های مهم بویژه در حیدرآباد مانند کتابخانه آصفیه، موزه سالار جنگ، دفتر اسناد دولتی آندهرآپریش، دانشگاه عثمانیه و کتابخانه‌های شهر گلبرگه و



مناطق دیگر و افراد مهم می‌توان تاریخ ادبی این دوران را به خوبی تدوین کرد و نکات تاریک و مهم این دوره را روشن ساخت.

### آثار هنری

در طول حکومت بهمنیان (از ۷۴۸ تا ۹۳۴ هـ / ۱۳۴۷ م. تا ۱۵۲۷ م.) در سه پایتخت آنان (دولت‌آباد، گلبرگه، بیدر) در کنار تألیف و تصنیف آثار ادبی و پرورش علما و ادبا و شاعران به علت حمایت پادشاهان و امرا، معماری و ساختن ابنیه، روز به روز رونق می‌گرفت و آثار تاریخی هنری مهم بجامانده از نظر فن معماری، نقاشی، کاشیکاری، کتیبه‌سازی در مراکز سه گانه پایتخت توسط هنرمندان مسلمان و هندو امروزه حکایتگر ذوق و دقت و حوصله هنرمندان و کارگران این دوره است. البته نباید از تأثیر هنر اسلامی دیگر کشورها چون ایران در هنر معماری دکن در ساختن گنبدها، مساجد، قصرها و دیگر آثار تاریخی در گلبرگه و بیدر و دولت‌آباد غافل ماند. به عنوان نمونه می‌توان از مسجد بزرگ قلعه گلبرگه یاد کرد که اثر زیادی از معماری غیر هندی پذیرفته است. نفوذ هنر ایرانی در هنر معماری جنوب هند در زمان بهمنیان باعث ارتقای هنر معماری دکن شده است. مانند گنبدهای شاهی مجاهدشاه، داودشاه، شهزاده سنجر، غیاث‌الدین شاه و خاندان فیروز که به مجموعه «هفت گنبد» مشهور است یا گنبد حضرت بنده نواز گیسو دراز که احمدشاه اول، عمارت آنرا شروع و پسرش علاء‌الدین احمدشاه ثانی آنرا تمام کرد. در عهد پایتخت بودن بیدر (۸۲۷ هـ تا ۹۳۴ هـ) نیز آثار هنری و تاریخی متعددی در بیدر بنا شد که تأثیر خارجی بخصوص ایرانی در آنها بوضوح مشهود است. کاشیکاری، منبت‌کاری و سنگتراشی در بنای ساختمانهای این عهد در بیدر بسیار معروف است و تأثیر هنر ایرانی به حدیست که این دوره را از نظر معماری شاید بتوان دوره ایران بهمنی محسوب کرد یا به عبارت دیگر «مکتب بناسازی» که آمیزه ایرانی - بهمنی نامیده می‌شود. یا مدرسه محمودگاوان گیلانی در بیدر یک نمونه برجسته از نهایت ذوق مادی و معنوی و بناسازی و محل تدریس نه تنها در هندوستان و مشرق زمین بلکه در دنیا می‌باشد. این مدرسه با این همه عظمت از نظر معماری و آرایش و تزئین، اثر نفوذ هنر ایران در آن کاملاً مشهود است.

### ترویج علم

در دوره ۱۸۰ ساله اقتدار بهمنیان سرزمین دکن به دور از هرگونه کشمکشهای سیاسی از



نظر اشاعت علم درخور توجه است. زیرا همانطور که اشارت رفت سلاطین بهمنی خود افرادی صاحب علم، ذوق و اهل کمال و قدردان بودند و اکثر آنان بر زبانهای فارسی، عربی و ترکی قدرت و تسلط داشتند. در زمان آنان تعلیم به زبان فارسی و عربی ترقی یافت. علاءالدین حسن بهمن شاه علاقه عمیقی به علم و ادب داشت. او علما و فضلا را بسیار احترام می‌کرد و برای آنان ارزش بسیار قائل بود.

عبدالجبار ملکا پوری، در محبوب الوطن تذکره سلاطین دکن حصه اول ص ۹۳ در این باره می‌نویسد: «تعلیم در دکن در دوره بهمنیان به زبان فارسی و عربی بود و تعلیم شاهزادگان بطور عمده انجام می‌گرفت و نوشته‌اند حتی علاءالدین حسن آنقدر به فکر تعلیم شاهزادگان بود که حتی در بستر مرگ هم از آن استفسار می‌کرد و در این باره حکایات مؤثری هم نقل شده است. کتابهای فارسی مانند گلستان و بوستان خوانده می‌شد... مجاهدشاه به زبانهای ترکی، عربی و فارسی کاملاً مهارت داشت. محمدشاه ثانی اهل علم، تفسیر، اصول بود. او بویژه به حکمت طبیعی و نظری علاقه‌مندی بسیار داشت و خود در هفته سه‌روز شنبه، دوشنبه، چهارشنبه تدریس می‌کرد و اگر روز فرصت نمی‌کرد در شب طالبان علم از معلومات شاه استفاده می‌کردند. به پاس قدردانی از این پادشاه اهل علم و هنر، از ایران و دیگر ممالک به دربار او جمع می‌شدند و از محضر او بهره می‌بردند. در زمان فیروزشاه اشاعه علم و تعلیم همچنان رواج داشت و شخصیت‌های برجسته‌ای چون شاه خلیل‌الله کرمانی و سه فرزندش، و نیز قاضی احمد مقبول، شیخ آذری و بسیاری استادان علم و ادب در پایتخت جمع آمدند. البته خود پادشاه هم از زمره اهل تعلیم و علم بود. چون وجود کتابخانه‌ها سهم بزرگی در شکوفایی علم و دانش داشت از این رو این پادشاهان علم درست در زمان خود دو کتابخانه بزرگ برپا کردند یکی کتابخانه شاهی سلاطین بهمنی و دیگر کتابخانه بیجاپور». (رک: محبوب الوطن، ملکا پوری، حصه اول، ص ۴۲۴). ملکا پوری می‌نویسد: «در زمان فیروزشاه نسخه‌های نفیس و نادر از ایران و نواحی دیگر به این موزه و کتابخانه آورده شد. اما پس از زوال سلطنت، کتابهای این کتابخانه‌ها از بین رفت. (محبوب الوطن، ص ۴۲۴).

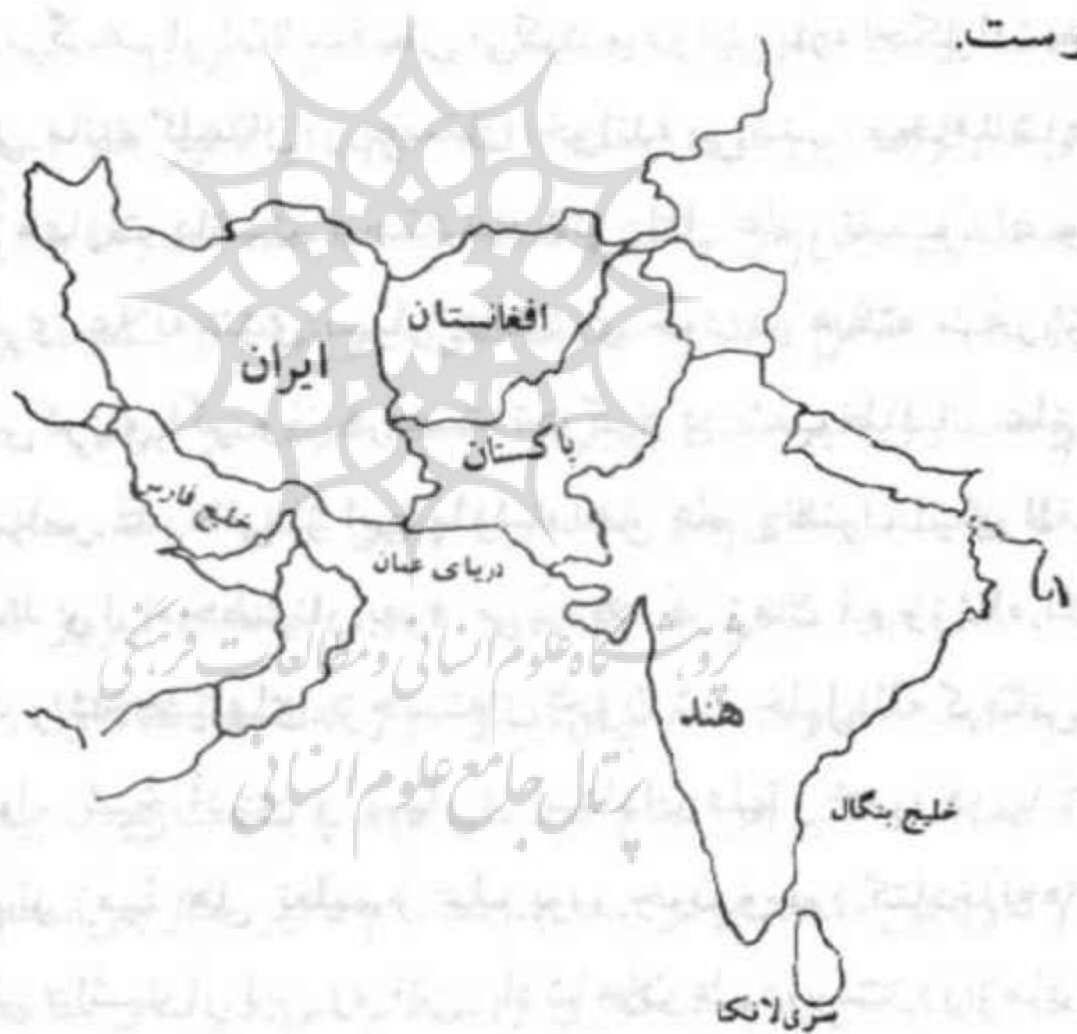
#### دو وزیر برجسته

سعادت دوره بهمنی وجود وزرای برجسته‌ای بود که صادقانه در اشاعه علم و دانش کوشش می‌کردند که نام دو تن از آنان درخور ذکر است یکی میر فضل‌الله انجو (از خاندان اعیان سادات شیراز) که سعی بسیار او در گسترش دانش بسیار مشهور است. او شاگرد نامور



سعدالدین تفتازانی بود که خدمات زیادی به عنوان عالم به دودمان بهمنی کرد. در دوره او بود که استادانی از بیرون هند بویژه ایران و ماوراءالنهر به دکن آمده و سطح علمی دکن را ارتقاء بخشیدند.

شخصیت ممتاز دیگر خواجه محمود گاوآن گیلانی - ستاره درخشان علم و عمل در دوره بهمنی - است که خلوص و تلاش او در تاریخ علمی هندوستان بی نظیر است. مدرسه محمود گاوآن گیلانی متعلق به اوست که نهایت ذوق علمی در آن به کار رفته - خبرخواهی او نسبت به رعایا تمثال مادی آنست. این مدرسه در قرن و مقصد بین اقوام ممتازی به دست آورد که از این نظر در مملکت دکن ممتاز است. ریاض الانشاء که نامه ها و مکاتیب اوست تصویر احساسات نیک اوست.



وقتی که مقام صدارت داشت عبدالرحمن جامی (شاعر و عارف سده نهم هجری) را به دکن دعوت کرد تا افق روشن علمی را به دکن هدیه کند همچنین جلالالدین دوانی و صدرالدین رواسی و دیگران را. لیکن از اقبال بد دکن بود که آنان به دکن نیامدند. (بحث درباره محمود گاوآن، شخصیت و مرتبه علمی و اجتماعی و آثار او مقالتهی مفصل را می طلبد که اگر خدا بخواهد بعداً نوشته می شود).

علاوه بر مدرسه محمود گاوآن، مدارس و مساجد بسیاری وجود داشتند که علوم مختلف در آنان تدریس می شد و زبان فارسی نقش بسیار مهمی در تدریس علوم داشت - از این رو می بینیم که در دوره وزارت محمود گاوآن پیشرفتهای علمی و ادبی بسیاری صورت گرفت که



وجود در کتاب معروف خود محمود گاوآن یعنی رباض الانشاء و مناظر الانشاء دلیلی بر اهتمام و نفوذ و رواج زبان فارسی در این دوره می باشد. در کنار مدارس و مساجد بسیار - حتی در شهرها و روستاها - خانقاهها هم به وسیله زبان فارسی مرکز بزرگ فیض رسانی به مریدان و معتقدان روحانی بودند. خانقاه حضرت ابوالفیض از خانقاههای مشهور فرقه چشتیه بود که در آن به مریدان تعلیم داده می شد. در دوره پادشاهان بهمنی دسته دسته از چهار گوشه جهان افراد عقیده مند برای کسب فیض روحانی و بهره روری به دکن و دربار بهمنیان سرازیر می شدند. بنابراین در دوره بهمنی سرزمین دکن از لحاظ رشد و شکوفایی علوم ظاهری و روحانی مانند خورشید نور افشانی می کرد.

حضرت خواجه بنده نواز گیسو دراز حسینی که در سال ۸۰۳ هـ. از دهلی به گلبرگه تشریف آورده بود یک صوفی باصفا و یک ادیب و شاعر فارسی دان بود و دایره فیض رسانی او بی اندازه وسیع، که از سرچشمه فیض او تمام تشنگان به دور از هرگونه آئین و مذهب بهره مند می شدند. شخصیت جامع و طرز تعلیم خاص او بین همه مردم یک رشته اخوت و محبت ایجاد کرده بود. فیروز شاه به او اعتقاد زیاد داشت.

در عهد فیروزشاهی آمیزش فرهنگ و تمدن بویژه ایرانی بسیار است. دکن در عصر او یک مرکز بزرگ فرهنگی و تهذیب و تمدن در مشرق به حساب می آمد. دکن از طریق دریا با مردم دیگر ممالک بویژه ایران ارتباط داشت. او با فراست و هشیاری از اثرات بیرونی فرهنگی استفاده می کرد و خدمات مسلمانان و هندوان را خریدار بود. او یک عالم بزرگ زبان شناسی نیز بود و از اکثر زبانهای شرقی و زبانهای منطقه دکن آگاهی داشت زیرا در عصر او در دکن به انواع زبانها صحبت می شد. او اوقات فراغت خود را به فراگیری و گفتگوی زبانهای مختلف می گذراند (رک: تاریخ فرشته، ج ۱، م سوم، ص ۳۰۸-۳۰۹).

ار هر ساله ترتیبی می داد که بوسیله کشتی افراد صاحب کمال و نوادر اشیاء به دکن بیایند. چنانچه در تاریخ فرشته از قول او آمده است: «بهترین تحفه هر مملکت مردم صاحب کمال آن مملکت است». (ج ۱، م سوم، ص ۳۰۸) بر این اساس از ایران و عراق که مرکز علما و اصحاب دانش نامور بود دانشمندان برجسته ای که چون مرواریدهای آبدار بودند به دکن آمدند. در عهد بهمنی بویژه در دوران محمود گاوآن انسان دوستی و محبت بین مردم برقرار بود. دکن یک دبستان تمدن شده بود. اثر میناکاری ایرانی و ترکی بر سراسر بناها دیده می شد. آمیزش فرهنگ و تمدن ایرانی بر فرهنگ دکنی مانند تار و پود یک پارچه بهم آمیخته بود.



## دکن مرکز بزرگان علم و اخلاق

سرزمین دکن از آغاز تسلط مسلمانان و رونق اسلام سرزمین صوفیان پاک‌نهاد و عالمان روحانی و اخلاق بوده است. پس از فتح دکن بوسیله علاء‌الدین خلجی و ادامه آن توسط سلطان محمد بن تغلق و تغییر پایتخت از دهلی، تعداد زیادی از علما، فقها، عرفا و مشایخ به پایتخت جدید (دولت‌آباد) آمدند و باعث آبادانی آنجا گردیدند. سلاطین بهمنی که تقریباً ۲۰ سال پس از این واقعه بنیاد سلطنت خود را در دکن گذاشتند عقیده و ارادت بسیار به این بزرگان و صوفیان داشتند و اکثر پادشاهان و درباریان کاملاً تحت تأثیر آنان بودند. این صوفیان خود بزرگترین عاملان تقویت و گسترش زبان فارسی شدند زیرا این اولیای کرام در نهایت بی‌غرضی و غرور و احساسات انسان‌دوستی بدون در نظر گرفتن رنگ و نژاد، تعالیم اخلاقی و روحانی را در بین عموم مردم شایع می‌کردند و این همه در قالب زبان فارسی انجام می‌گرفت. بنابراین حالات سلطنت بهمنیه تا زمان انقراضش از لحاظ جمع ادبا و علما و صوفیان و ارتقای ادبی و عظمت معنوی و سادگی بیان اهمیت اول را دارد.

## شیخ زین‌الدین داود :

یکی از این عرفای نامی شیخ زین‌الدین داود فرزند خواجه حسین بن سید محمود شیرازی (متولد ۷۰۱ هـ در شیراز) است که در سن جوانی به اتفاق پدر به قصد زیارت حرمین شریفین وطن را ترک کرده و پس از گزاردن حج و زیارت به هندوستان و دهلی می‌آید. وقتی که سلطان محمد تغلق، علمای دهلی را به دولت‌آباد فرستاد او هم به دولت‌آباد آمد و به خدمت شیخ برهان‌الدین غریب مشرف شد و با انجام کمال ریاضت، مراتب سلوک را در مدتی کوتاه طی کرد، به مقامات اعلای سلوک نائل آمده و در ۱۸ ربیع‌الثانی ۷۳۷ حضرت برهان‌الدین خرقه خلافت را به عنوان تاج سرافرازی به او بخشید... و سه روز پس از رحلت شیخ غریب‌الدین سجاده‌نشین او گردید. او در ۲۵ ربیع‌الاول سال ۷۷۱ هـ جان به جان آفرین تسلیم کرد. (رک: محبوب‌ذی‌النن «تذکره اولیای دکن»، ص ۳۷۱ و تاریخ فرشته، ج ۱، ص ۲۹۴ و مصباح‌الزائرین، نسخه خطی به شماره ۲۱۹۵ کتابخانه اصفیه، ص ۳۹-۴۰).

عصامی مورخ معروف و مصنف فتوح السلاطین او را چنین مدح کرده:

لقب زین‌دین گشت آن مرد را      که مقبول کونین کردش خدا  
به علم و عمل دانش آراسته      زد دنیا و عقبی دلش خاسته  
ریاضت چنان داد هر صبح و شام      که شد توسن نفس رامش مدام



(ص ۴۱۱-۴۱۲)

مورخ شهیر دکن پروفیسور هارون خان شیروانی در کتاب :  
« The Bahmani of the Deccan p.109 »

او را در مجموع بزرگترین و مشهورترین صوفیان دکن می‌داند.

### عین الدین جنیدی :

دیگر از عرفای مشهور این دوره عین الدین جنیدی دهلوی بیجاپوری (متولد ۷۰۶ هـ. / ۱۳۰۷ م. در دهلوی) است که در انتقال پایتخت از دهلوی به دولت آباد پایتخت بهمنیان می‌آید و به ارشاد و هدایت خلائق مشغول می‌شود. او زندگانی روحانی خود را وقف تعلیم و تلقین و تصنیف و تألیف کرد و در زمانه خود یک پیشوای روحانی و ادبی مسلم بود. او در علوم متداوله کتابهای متعدد تصنیف کرد. در عربی و فارسی مهارتی استادانه داشت. تعداد تصانیف او را ۱۳۰ نوشته‌اند که متأسفانه همه این تصانیف از بین رفته که مشهورترین آنها ملحقات طبقات ناصری است که شیخ عین الدین به بیان تاریخ سلاطین هندوستان پس از پایان دوره محمود پرداخته است. فرشته آنرا دیده و در فهرست مأخذ خود دومین مقام را به آن داده است و مؤلف برهان مآثر هم آنرا به عنوان مأخذ خود آورده است.

عبدالجبّار ملکاپوری مورخ تاریخ دکن نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار داشته که در هنگام طغیان رودخانه موسی از بین رفته است. این کتاب از منابع مهم ابتدای دوره بهمنیان است.

### سید محمد حسینی گیسو دراز :

سومین عارف والامقام و برجسته حضرت سید محمد حسینی گیسو دراز خواجه بنده نواز است. انسانی جلیل‌القدر که با چراغ علم و عمل خودش سراسر دکن را روشن کرده است و اثرات فیض روحانی او بعد از گذشت صدها سال هنوز در سرزمین دکن پر و مالا مال است. متولد ۷۲۱ هـ. / ۱۳۲۱ م. در دهلوی که در انتقال پایتخت به اتفاق پدر سید یوسف حسینی در ۱۷ محرم ۷۲۹ هـ. به دولت آباد می‌آید. درجه علمی و مقام روحانی او به قدری بالا بود که هر جا اقامت می‌کرد عوام و خواص دسته دسته نزد او می‌آمدند و با او بیعت می‌کردند و ایشان به حسب مراتب و درجه آنان برای آنان ذکر می‌گفت و ارشاد می‌فرمود. او پس از ۱۰۵ سال و ۴ ماه و ۱۲ روز در روز دوشنبه ۱۶ ذی‌قعدة ۸۲۵ هـ. فوت کرد. حضرت



خواجه مالک شخصیتی بزرگ و جامع بود. مصنف بلند پایه‌ای در زبان فارسی، عربی و دکنی، عالم علم معقول و منقول، فلسفه، حکمت و علوم ظاهری و باطنی، مرشد روحانی و معلم اخلاق، آئینه‌دار بزم عرفان بود.

تقی اوحدی که به شأن و بزرگی، زهد و تقوا و روحانیت او معترف بوده درباره‌اش چنین می‌نویسد: «از مشاهیر اولیاء است به غایت عالی و رتبه کامل». (عرفات، ورق ۳۷۵).

شاه عبدالحق محدث دهلوی درباره‌اش اینطور نوشته است:

«جامع است میان سیادت و علم ولایت - شأنی رفیع و رتبتی منیع و کلام عالی دارد. او را میان مشایخ چشت مشربی خاص و در بیان اسرار حقیقت طریقی مخصوص است». (أخبار الأخیار فی أسرار الأبرار، ص ۱۳۱).

تعداد تصانیف او را به تعداد سال عمر ایشان یعنی ۱۰۵ ذکر کرده‌اند. بعضی از آنها شرح‌هایی درباره‌ی امتهات کتابهای تصوف مانند عوارف المعارف، فصوص الحکم، رساله قشیریه، تهذبات عین القضاة و قوت القلوب می‌باشد و بعضی در تفسیر صوفیانه قرآن پاک است. در مجموع تصانیف ایشان از لحاظ سبک و اسلوب، ساده، سلیس، دلکش، روان و سریع الفهم است.

طرز نگارش او نه تماماً مسجع و مقفی است نه کاملاً عاری - بلکه هر دو سبک در آن دیده می‌شود. مطالب پیچیده و غامض تصوف را در نهایت اختصار و آسانی و دلنشین ادا می‌کند. ازین رو ایشان اسلوبی خاص دارند (تفصیل شرح احوال و آثار و افکار این صوفی بزرگ در مقاله‌ای دیگر خواهد آمد).

### سید اکبر حسینی:

فرزند بزرگ حضرت بنده نواز سید اکبر حسینی (متولد ۷۶۲ یا ۷۶۳ هـ.) نیز از عرفای مشهور است که عالمی بزرگ و متبحر بود و در علم تصوف پیشوایی زبردست و ماهر بود چنانچه جوامع الکلم یعنی ملفوظات پدر را ایشان تحریر کرد. او را علاوه بر تصانیف ده گانه عربی چندین تصنیف به شرح زیر به فارسی موجود است: ۱- شرح سوانح ۲- کتاب البقايد ۳- تبصرة الإصطلاحات الصوفیه ۴- مرآة المحققین (خطی) ۵- مکتوبات.

### سید محمد اصغر حسینی:

فرزند کوچک حضرت بنده نواز سید محمد اصغر حسینی متولد (۸۱۱ هـ.) هم در زمرة



عرفای نامدار و مورد احترام همگان بود و پادشاه او را به صد عزت و احترام مخاطب کرده‌اند. مباحثه و گفتگوی علمی در پایتخت بیدر به جهت و جرد ایشان بسیار گرم بود. ایشان در علوم ظاهری و معنوی سرآمد زمانه بودند. در تصوف و سلوک مقام بلندی داشتند. آثار ایشان بر اثر حوادث روزگار از بین رفته فقط نسخه‌ای نادر و نایاب از ملفوظات ایشان به نام *شواهد الجمل* در *شمال الکمل* در کتابخانه شخصی *علاء الدین صاحب جنیدی سجاد نشین روضه شیخ* در گلبرگه موجود است. این کتاب از جهت بیان حالات حضرت مخدوم [حضرت بنده نواز گیسودراز] و اولاد گرامی ایشان و بیان تعلیمات و سلوک و عرفان اهمیت فوق العاده‌ای دارد.

### شیخ محمد ملتانی:

دیگر از عرفای معروف دوره بهمنیان حضرت *شمس الدین ابوالفتح شیخ محمد ملتانی* (متولد در سال ۸۶۲ هـ.) در بیدر است که صاحب کشف و کرامات بسیار بود و طالبان و مریدان را به هدایت و ارشاد سرافراز می فرمود. قاسم برید به او سخت معتقد بود. ایشان در ۹۳۵ فوت کردند. از ایشان یک رساله به نام *آورد صغیره* به زبان فارسی موجود است که در آن اذکار سلوک سلسله قادریه درج است که با زبان سهل و آسان و سبک بیان ساده و دلنشین تحریر شده است.

### تاریخ نگاران

در جنوب هند بویژه در دوره بهمنیان تاریخ نگاری فارسی به طور خارق العاده‌ای شکوفا شد و رونق گرفت. علت اصلی این امر آن بود که افراد دانشمند و فاضل به سرپرستی خود پادشاهان مأمور نوشتن تاریخ می شدند. بر این اساس در دوره بهمنیه تاریخهای مهم چندی نگاشته شده است مانند *فتوح السلاطین* که اولین شاهکار ادبی و تاریخی دوره بهمنیان به شمار می آید که بعداً درباره آن سخن خواهیم گفت. ولیکن جای افسوس است که تمام آثار تاریخی این دوره بجز همین *فتوح السلاطین* ناپدید شده و در دسترس نیست فقط با مراجعه به تاریخهای متأخر مانند *تاریخ فرشته*، *برهان مآثر* و *تاریخ ایلچی* نظم شاه می توان اطلاعات زیادی درباره تاریخ نگاری دوره بهمنیان به دست آورد. کتابهای تاریخی مهمی چون ۱- *عیون التواریخ* تألیف *ابی طالب بغدادی* که گویا قدیمترین کتاب تاریخ عهد بهمنی می باشد. ۲ و ۳- *تحفة السلاطین* و *قضایای فیروزشاهی* هر دو تألیف *ملا داود بیدری* ۴- *سراج التواریخ* تألیف *ملا محمد لاری* که صاحب *تاریخ فرشته* در مآخذ خود از آن ذکر کرده است. ۵- *تاریخ حاجی محمد قندهاری* که



از مآخذ مهم محمد قاسم فرشته در تاریخ سلطنت بهمنیان بویژه بیان قتل مجاهدشاه بهمنی و بیان حالات محمود گاوآن می باشد. ۶- طبقات محمودشاهی از عبدالکریم همدانی عالم و ادیب بزرگ عهد بهمنیان. ۷- تاریخ محمودشاهی یا طبقات محمودشاهی (غیر از طبقات محمودشاهی عبدالکریم همدانی) که بنا به نوشته استوری یک تاریخ عمومی شرق است که به حکم محمودشاه تصنیف شده و از مآخذ فرشته و سیدعلی طباطبائی مؤلف برهان مآثر در بخش تاریخ دوره بهمنی بوده است. وجود این تواریخ به زبان فارسی خود دلیلی استوار بر رواج و اعتنا به زبان فارسی می تواند باشد. متأسفانه به علت محدودیت حجم مقاله امکان بررسی و تشریح کتابها نیست فقط به عنوان نمونه اشاره ای کوتاه به کتاب فتوح السلاطین و سراینده آن عبدالملک عصامی می کنیم.

### عصامی:

عصامی اولین و بزرگترین مصنف در عهد علاءالدین حسن بهمن شاه بود. او در زمان خودش یک شاعر بلند پایه و مورخ وسیع النظر بود. مؤلف برهان مآثر در بیان واقعات ابتدای دوره بهمنی از تاریخ منظوم او استفاده کرده است. همچنین مؤلف تاریخ فرشته در تاریخ خود در سه جا به تألیف عصامی حواله داده است.

فتوح السلاطین به سبک و تقلید شاهنامه و در واقع ضمیمه شاهنامه به حساب می آید زیرا فردوسی در شاهنامه از زمان آفرینش آدم تا عهد سلطان محمود غزنوی پرداخته است و عصامی کردار و اعمال مردم ایران باستان را به اختصار بیان کرده و از زمان سلطان محمود واقعات و فتوحات سلاطین را سال به سال در بحر شاهنامه به نظم در آورده است. پرفسور عبدالغنی در تاریخ ادبیات پیش از منول خود به زبان انگلیسی (ص ۲۸۴) به این مطلب اشاره کرده است: «این اثر از نظر کمی و جنبه تاریخ عمومی نظیر شاهنامه فردوسی است.» همچنین این کتاب را می توان شاهنامه دوره های میانه هندوستان به حساب آورد. همانطور که اشاره شد از آثار تاریخی دوره بهمنی فقط همین یک اثر از دستبرد زمانه محفوظ مانده ازین رو این کتاب برای مطالعه تاریخ آن عصر ارزش بسیار دارد.

فتوح السلاطین حاوی موضوعات رزم و بزم، اخلاق و حکمت، تاریخ و داستان، عشق و زندگی است. در سبک بیان او سحر و جادوگری خاصی است که هر شخص را مسحور می کند. در سبک بیان او سلاست، پاکیزگی و برجستگی و روانی موجود است. رقت انگیزی و اثر آفرینی نیز بجای خود دارد. زبان در نهایت سلاست، اندیشه در کمال لطافت و کلام در



نهایت سوز و گداز بیان شده، ترتیب اندیشه‌ها و تنظیم واقعات تاریخی را به خوبی انجام داده است. ملکه تاریخنگاری او تیز خداداد است. واقع این است که فتوح السلاطین امتزاج دلکشی از تاریخ و شاعری است. در اصل عصامی، ادب را بر پایه تاریخ قرار داده است. واقعات بی جان و روح گذشته را با دم مسیحایی شاعری خود زندگی بخشیده است. عصامی واقعات را در نهایت صحت و صداقت آورده و سرسوزنی از صحت واقعات نکاسته و در نهایت یک تاریخ مستند صحیح اما شاعرانه عرضه داشته است. نمونه‌ای از تصویرگری او را در زیر می‌آوریم:

جهان کهن طرفه بازیگری است  
فریبده کودکان اکثری است  
بسی تاج شاهان فرخ‌نژاد  
به بازی طفلان سپارد به یاد  
یکی نوش او نیست خالی ز نیش  
یکی راحتش نیست بیرون ز ریش

(فتوح ص ۱۶۳)

### آذری اسفراینی:

شخصیت برجسته دیگر عهد بهمنیان آذری اسفراینی عارف و شاعر نامدار سده هشتم و نهم است که در روز دوشنبه ۱۲ شوال ۷۸۳ هـ. در مرو متولد شد و در اسفراین نشو و نما یافت و بالاخره پس از گزاردن فریضه حج به حلب رفت و در حلقه ارادت سید نعمت‌الله کرمانی درآمد و به ریاضت و مجاهده مشغول گردید و اجازه ارشاد - سند و خرقه به دست آورد. در اواسط عمر به هندوستان آمد. وقتی آوازه قدرتانی سلطان احمدشاه بهمنی را از علما و شعرا شنید رهسپار دکن شد و ملازمت شاه اختیار کرده خطاب ملک الشعرا می یافت. شیخ در علم، زهد، ورع و همت بی نظیر بود. همیشه جویای مصاحبت مشایخ و بزرگان بود. او در فقر و عرفان و علوم ظاهری یکتای روزگار خود بود (تذکره میخانه، ص ۹).

ذهن وقاد و خارق‌العاده و فراست او در خراسان و ایران مشهور بود. هر جا می‌رفت قدر و منزلت او را پاس می‌داشتند.

تصانیف شیخ آذری به شرح زیر است: ۱- مرآت ۲- جواهرالاسرار ۳- دیوان ۴- بهمن‌نامه لطفعلی بیک آذر، طغرای همایون و عجائب الغرایب را نیز جزو تصانیف شیخ آورده است. (آتشکده - چاپ هند، ص ۷۲).

بهمن‌نامه تاریخ منظوم عهد بهمنیان است که به دستور احمدشاه بهمنی سروده شده است. البته لازم به تذکر است که آذری وقایع دوره بهمنیه را از ابتدای سلطنت



آنان تا دوره وفات همایون شاه بهمنی به نظم درآورده، زیرا در سال ۸۶۶ هـ فوت می‌شود و کار نظم بهمن‌نامه ناتمام می‌ماند. بعد از آذری به حکم سلاطین بهمنی ملانظیری طوسی و ملا سامعی و دیگر شعرای پایتخت بهمنیه واقعات دوره بهمنیان را تا انقراض این سلسله و دیگر رویدادها را به نظم درآوردند و چیزهایی هم بر آن اضافه کردند. خلاصه کلام اینکه بهمن‌نامه یک تصنیف ارزشمند تاریخی است.

## شاعران

### نظیری طوسی :

نظیری طوسی که در طوس یا مشهد زندگی می‌کرد مرید و عقیده‌مند شاه نعمت‌الله ولی و اولاد او بود. احتمالاً به همراه شاه خلیل‌الله کرمانی و اولادش به دکن آمده و در آنجا سکونت اختیار کرده و بدتی هم به دستور همایون به زندان می‌افتد. نظیری پس از رهایی از زندان خلوت‌نشینی اختیار می‌کند و در قطعات چندی به زبان فصیح و بلیغ ظلم و ستم همایون را بیان می‌کند که کمال شاعرانه و روشنی بیان نظیری از آن برمی‌آید:

ای ظالم از آه دل شب خیز بترس  
وز نفس بد شوم شرانگیز بترس

مژگان دم آلوده مظلومان بسین  
و طاووز خنجر آبدار خونریز بترس

نظیری در زمان خود در نزد طبقه شعرا مکرم و صاحب احترام بود. خواجه محمود گاوآن او را به سبب علم و فضل و شعر و سخنش در زمره مصاحبان خود قرار داده بود. نسخه‌ای واحد از دیوان او در بریتیش میوزیم (موزه بریتانیا) به شماره (۷۹۳۰) موجود است.

### عیانی بیدری :

شاعر دیگری که در دوره بهمنیان تحت سرپرستی علمی و ادبی خواجه محمود گاوآن بوده عیانی بیدری است. البته این غیر از آن عیانی فرزند رفیعی یزدی است که تقی‌الدین اوحدی ذکر او را در تذکره خود آورده است. (عرفات العارفین و عرصات العاشقین، خط - فن تذکره - ش ۲۰۹

کتابخانه آصفیه، ورق ۵۱). .

البته عیانی دیگری به نام ابواسحق ابراهیم بین سالهای ۷۰۰ تا ۸۰۰ بوده که مثنوی به نام انبیانیه پیرامون احوال حضرت پیغمبر (ص) داشته که این هم غیر از عیانی بیدری



است. (۱)

کلیاتی از عیانی بیدری در کتابخانه مخطوطات دولتی مدراس (به نقل از فهرست مخطوطات فارسی کتابخانه دولتی مدراس، ج ۳، ص ۵۴) موجود است که قدیمی است و برخی صفحات آن کرم خورده.

عیانی بیدری شاعری بسیار پرگو و خوشگوی بود. کلیات او شامل تمام اصناف سخن است. از اشعار موجود در کلیات او تا اندازه‌ای وضع زندگی خانوادگی و شخصی او روشن می‌گردد. شهرت عیانی بیشتر در غزلسرای است. در کلیات او ۴۶ غزل موجود است. این غزلیات ترجمان احساسات و جذبات مؤثر و حقیقی اوست. نمونه‌ای از غزلیات او:

ای یاد شمع روی تو شبها چراغ من

هر روز طواف کوی تو گلگشت باغ من

زخم دلم کجا بهم آید کزان در زلف

یک لحظه بوی مشک فرقت از دماغ من

گویند در جهان گهرشب چراغ است

زلزله شب است و ماه رخت شبچراغ من

اثر معروف دیگر او فتح‌نامه محمودشاهی است مشتمل بر ۴۱ فصل و ۵۰۱ بیت در ذکر

وقایع مهم دوره محمودشاه بهمنی که در ۸۹۸ هـ. اتفاق افتاده و در همین سال تصنیف شده

است. فتح‌نامه از نظر تاریخی اهمیت بسیار دارد و سبک بیان آن هم ساده، روان، سلیس و

دلکش است. از قراین برمی‌آید که عیانی بیدری نیز در پایتخت با شاعران دیگر در تکمیل کار

بهمن‌نامه شریک بوده است.

### ملاً سامعی :

ملاً سامعی ندیم و مصاحب و مداح خواجه محمودگاو از دیگر شاعران دوره

بهمنی است که نام کامل و حالات زندگانی و سخن و کلام او در پرده گمنامی مانده است. فقط

چند قطعه تاریخ از او در کتابهای متأخر آمده است که به وسیله آنها نام او مانده و سند بست بر

قبول عامه. در ذکر کارنامه ملاً سامعی، بیان تکمیل بهمن‌نامه‌آذری پس از نظیری طوسی ضرور

است. علاوه بر آن سامعی دیوان عربی و فارسی خواجه محمودگاو را نیز مرتب کرده است.



این باعث تأسف است که دیوان سامعی امروزه موجود نیست.

### کتیبه نویسی

از دیگر جلوه‌های ممتاز نفوذ و رواج زبان فارسی در سراسر شبه قاره از جمله دوره بهمنیان در دکن کثرت و گوناگونی تحریرها و کتیبه‌های فارسی است که بر الواح سنگی، مناره‌ها، درهای قلعه‌ها، ابنیه مذهبی، ستونها، دیوارها به جا مانده است. البته سنگ نبشته‌های فراوانی به دیگر زبانهای رایج شبه قاره هم وجود دارد که ما را بحث پیرامون آنها نیست و فعلاً سخن از کتیبه‌های دوره بهمنی، آنهم سنگ نبشته‌های فارسی است.

کتیبه نویسی در دکن در دوره بهمنیان یک هنر و فن مستقل بود. زبان کتیبه‌ها اکثر فارسی است لیکن در بعضی جاها کتیبه‌های عربی نیز به دست می‌آید. کتیبه‌ها به نثر ساده و راست نوشته شده و نام سلاطین وقت و آداب و القاب طولانی آنان نیز در آن کتیبه‌ها درج است. این کتیبه‌ها را می‌توان به الف - کتیبه‌های عهد پایتختی گلبرگه (۷۵۲ هـ. تا ۸۲۷ هـ. / ۱۳۵۱ م. تا ۱۴۲۴ م.) و ب - کتیبه‌های عهد پایتختی بیدر (۸۲۷ هـ. - ۹۳۱ هـ. / ۱۴۲۴ م. - ۱۵۲۷ م.) تقسیم کرد.

### آثار دیگر این دوره

کارنامه ادبی عصر بهمنی بدون ذکر برخی آثار دیگر این دوره ناقص است، لذا به طور اختصار به معرفی آنها می‌پردازم.

۱- قوم‌العقاید اثری مهم و نادر به قلم محمد جمال قوام، نبیره شمس‌العارفین قوام‌الدین، خلیفه خواجه نظام‌الدین اولیا از معاصران خواجه نظام‌الدین می‌باشد. تألیف کتاب در محرم ۷۵۵ هـ. شروع شد و در هفتم رجب ۷۵۵ هـ. به پایان رسید. قوم‌العقاید مشتمل بر ۹ باب است و بیشتر مطالب آن مبنی بر روایات شفاهی است. نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه دانشگاه عثمانیه موجود است. این کتاب مشتمل بر ۶۷ ورق می‌باشد و از ابتدا تا انتها کامل است. از دیباچه کتاب برمی‌آید که این کتاب در زمان علاء‌الدین حسن شاه بهمنی نوشته شده زیرا بعد از حمد و نعت، تعریف عدل و انصاف او را کرده و چنین برمی‌آید که کتاب قوم‌العقاید قدیمترین و اولین کتاب نثر در دوره بهمنیان می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

۱- این کتاب توسط پرفسور نثار احمد فاروقی استاد بخش عربی دانشگاه دهلی به نحو شایسته‌ای تحقیق و تصحیح و

در نشریه قند پارسی فصلنامه زبانی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران - دهلی نو (ش ۷، بهار ۱۳۷۳) ص یک



۲- ترجمه سالهوترا یا فرس نامه تصنیف عبدالله بن صنی در بیان امراض اسب تألیف در ۸۱۰ هـ / ۱۴۰۷ م. کتاب مشتمل بر ۵۱ باب است. این کتاب از نظر تاریخ ترجمه فارسی متون هندی نیز درخور توجه است.

۳- مقتل نامه تألیف نصیرالدین بن شیخ شهاب الدین زاهد اجودهنی در زمان احمدشاه بهمنی. مشتمل بر ۱۷ ورق ولی کامل. نام دیگر کتاب قصه پادشاه رحمانی اور شیطانی است. این اثر یک تمثیل صوفیانه است و هدف تصنیف کتاب این بوده که سالک را به جاده حقیقت و سر منزل مقصود برساند. مصنف تمام مراحل سیر و سلوک را از فنا تا بقا به اسلوب قصه بیان کرده و جای جا از آیات قرآنی، احادیث نبوی و قصه های گذشتگان برای روشنی مطالب استفاده کرده است.

۴- تاریخ حبیبی و تذکره مرشدی تألیف عبدالعزیز بن شیر ملک بن محمد واعظی است که آنرا به فرمان ملک راجا زمانی که در دوره علاءالدین احمدشاه بهمنی ثانی عهده دار مسند وزارت بوده در ۸۴۹ هـ / ۱۴۴۵ م. نوشته است. او درین کتاب احوال و اشغال و اذکار و تصانیف حضرت خواجه بنده نواز و فرزندان و الاتبار ایشان و آنچه از خلفای کرام وی شنیده آنها را نوشته است. ازین رو کتاب حائز اهمیت بسیار است. کتاب دارای یک مقدمه مختصر و ده باب است.

۵- مفتاح گلستان یا کلید گلستان تصنیف اویس بن علاءالدین المعروف به آدم، تصنیف در ۱۰ محرم ۹۰۰ هـ / ۱۱ اکتبر سال ۱۴۹۴ م. نسخه ای از آن در کتابخانه آصفیه به شماره ۲۷۸ در بخش لغت موجود است و از ابتدا تا انتها کامل می باشد و مشتمل بر ۱۰۹ صفحه است. او کتاب «مفتاح گلستان» را به نام محمودشاه بهمنی عنوان کرده است. اویس بن علاءالدین بوستان و دیوان حافظ را نیز شرح کرده که امروزه ناپدید است. در اینجا بحث پیرامون وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دوره بهمنیان را به همین مقدار تمام کرده اگر خدا بخواهد در مقالات دیگر به بررسی و شرح اوضاع زبانی - ادبی دوره های پس از حکومت سلاطین بهمنی در جنوب هند می پردازیم. والسلام. ■

مأخذ اصلی: عبدالمنان، محمد. بهمنی حکومت کی تحت فارسی ادب، پایان نامه دوره دکتری دانشگاه عثمانیه، ۱۹۶۶ م.



نامه قائم مقام فراهانی به یک دوست

مخدوم مهربان من! از آن زمان که رشته بر اودت حضوری گسسته و شیشه شکیبایی از سنگ تفرقه و دوری شکسته، اکنون مدت دو سال افزون است که نه از آن طرف بریدی و سلامی، و نه از این جانب قاصدی و پیامی. طایر مکاتبات را پر بسته و کلبه مراودات را در بسته.

تو بگفتی که بجا آرم و گفتم که نیاری

عهد و پیمان وفاداری و دلداری و یاری

الحمد لله فراغتی داری. نه حضری و نه سفری، نه زحمتی و نه بیخوابی، نه برهم خوردگی و نه اضطرابی.

مقدّری که به گل نکت و به گل جان داد

به هر که هر چه سزا بد حکمتش، آن داد

شمارا طرب داد ما را تعب. قسمت شما حضر شد و نصیب ما سفر. ما را چشم بر در است و شمارا شوخ چشمی در بر. فرق است میان آن که یارش در بر است یا چشمش بر در! خرشا به حالت که مایه معاشی از حلال داری و هم انتعاشی در وصال. نه چون ما دلفگار و در چمن سراب گرفتار. روزها روزه ایم و شبها به در یوزه. شکر خدای را که طالع نادری ربخت اسکندری داری. نبود نکویی که در آب و گل تو نیست جز آنکه فراموشکاری:

یاد یاران یار را میمون بود      خاصه کان لیلی و آن مجنون بود

یاد آرید ای مهان زین مرغ زار      یک صبوحی در میان مرغزار

این روا باشد که من در بند سخت      گه شما بر سبزه، گاهی بر درخت

مخلصان را امشب بزمی نهاده و اسباب عیشی ترتیب داده. دلم پیاله، مطربم ناله، اشکم شراب، جگرم کباب. اگر شما را هوس چنین بزمی و به یاد تماشای بی دلان عزمی است بی تکلفانه به کلبه ام گذری و به چشم یاری به شهیدان کویت نظری.

بسم الله اگر حریف مایی

ماییم و نوای بینوایی

والسلام